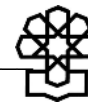


روابط ایران و عربستان سعودی در دوره اعتدال: بسترها و موانع

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	۱. ایران و عربستان از اتحاد تا جنگ سرد
۵	۲. حوزه‌های رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی
۱۴	۳. بسترها و فرصت‌های همکاری در پرتو سیاست خارجی اعتدالی
۲۰	۴. ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران
۲۳	پی‌نوشت‌ها



روابط ایران و عربستان سعودی در دوره اعتدال: بسترها و موانع

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در پرتو سیاست خارجی اعتدالی و همچنین مسائل و رقابت‌های مهم موجود بین دو کشور از موضوعات اساسی سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. این مسئله که در شرایط جدید منطقه‌ای و در چارچوب سیاست خارجی اعتدالی تا چه اندازه می‌توان به بهبود روابط ایران و عربستان سعودی امیدوار بود و چه راهبردهای را می‌توان در این خصوص مورد توجه قرار داد موضوع گزارش حاضر را تشکیل می‌دهد. در این راستا سعی شده است ضمن اشاره به شرایط کنونی روابط تهران - ریاض، مؤلفه‌های اختلاف و رقابت بین دو کشور تبیین و سپس فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری در دوره جدید بررسی شوند. در پایان نیز راهبردهای کلان تنظیم روابط با عربستان سعودی و همچنین راهبردهای پارلمانی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی دو بازیگر محوری در خاورمیانه هستند که نوع رویکردهای آنها در عرصه منطقه‌ای و کیفیت روابطشان با یکدیگر نه تنها تأثیر مهمی بر منافع دو کشور دارد، بلکه بر شرایط و روندها و ثبات و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه نیز تأثیرگذار است. در واقع در صورتی که این دو کشور بتوانند روابط و همکاری‌های خود را گسترش دهند و دیدگاه‌ها و سیاست‌های خود در سطح منطقه را به هم نزدیک کنند، علاوه بر تأمین بهتر منافع و امنیت ملی خود خواهند توانست ثبات و همکاری‌های منطقه‌ای در خاورمیانه را نیز افزایش دهند. اما در شرایطی که روابط دو کشور طی سال‌های اخیر سرد شده و رقابت‌ها و بعضاً تنش‌های میان آنها در سطوح دوجانبه و منطقه‌ای افزایش یافته، شاهد آن هستیم که تهدیدات و هزینه‌های معطوف به دو کشور نیز افزایش یافته و به همین نسبت تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای نیز گسترش پیدا کرده است. تأثیرپذیری معادلات منطقه از روابط ایران و عربستان موضوعی است که از جایگاه مهم استراتژیک، محوریت مذهبی دو کشور در میان اهل تسنن و تشیع، توانمندی‌های اقتصادی و نظامی

و نفوذ تهران و ریاض در سطح منطقه ناشی می‌شود.

به‌طور کلی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه‌های گذشته دوره‌های متفاوتی از روابط را سپری کرده‌اند و به‌خصوص در چند سال گذشته استیلائی گونه‌ای از جنگ سرد ویژگی بارز روابط بین تهران و ریاض بوده است. در چنین شرایطی انتخاب دکتر حسن روحانی به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران ازسوی مردم و حمایت مقام معظم رهبری و اغلب جریان‌های سیاسی کشور از وی در کنار اتخاذ رویکرد اعتدال‌محور در سیاست خارجی باعث طرح این پرسش شده است که آیا به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور جدید در ایران می‌تواند تغییری در روابط دو کشور ایجاد کرده و باعث کاهش رقابت‌ها و تنش‌ها در روابط آنها شود؟ به‌طور کلی تا چه اندازه می‌توان نسبت به بروز تغییرات مثبت در روابط تهران و ریاض در دوره جدید امیدوار بود؟ پاسخ صحیح و واقع‌بینانه به این پرسش که با بررسی ابعاد و واقعیت‌های مختلف روابط دو کشور و نگاه رهبران دو طرف و همچنین شرایط و روندهای منطقه‌ای امکان‌پذیر است، می‌تواند راه را برای اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تر برای تأمین آرمان‌ها و منافع ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هموار و از وارد شدن هزینه‌های بسیار بر سیاست خارجی کشور جلوگیری کند. در این راستا در این گزارش ضمن اشاره‌ای به گذشته روابط و رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تلاش خواهد شد تا حوزه‌های رقابت و اختلاف دو کشور بررسی و سپس بسترها و فرصت‌های همکاری و تعامل ایران و عربستان در پرتو سیاست خارجی اعتدالی دولت یازدهم تبیین شوند. در پایان نیز برخی ملاحظات راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران ارائه خواهند شد.

۱. ایران و عربستان از اتحاد تا جنگ سرد

ایران و عربستان سعودی در طول تاریخ روابط خود، وضعیت‌ها و شرایط بسیار متفاوتی را تجربه کرده‌اند که طیف وسیعی از الگوهای روابط از اتحاد استراتژیک در دوره قبل از انقلاب اسلامی تا جنگ سرد در سال‌های اخیر را دربرمی‌گیرد. دو کشور در دوره قبل از انقلاب اسلامی به‌عنوان دو متحد کلیدی غرب در منطقه به نوعی در اتحاد استراتژیک بودند و تعاملات سیاسی و نظامی - امنیتی قابل ملاحظه‌ای داشتند و در واقع غرب تلاش داشت تا در چارچوب دکترین دو ستونی نیکسون به تأمین منافع و پیشبرد سیاست‌های خود در خاورمیانه با بهره‌گیری از تهران و ریاض بپردازد که از مهمترین این سیاست‌ها ایجاد موازنه و بازدارندگی در مقابل نفوذ اتحاد شوروی و کمونیسم در خاورمیانه بود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با خارج ساختن این کشور از جرگه متحدین غرب، نه تنها به



اهداف و منافع غرب و آمریکا در خاورمیانه ضربه زد، بلکه برای متحدین خاورمیانه‌ای غرب مانند عربستان سعودی نیز غافلگیرکننده بود و در نتیجه روابط تهران و ریاض را نیز وارد مرحله جدیدی کرد.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس حمله رژیم بعث عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ باعث ایجاد شرایط نوینی در خلیج فارس شد که کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس را به سوی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی در سال ۱۹۸۱ رهنمون ساخت. از اهداف اصلی این شورا ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران بود. تشکیل این شورا در کنار مؤلفه‌هایی مانند اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی بین ایران و عربستان سعودی و به‌خصوص حمایت همه‌جانبه ریاض از بغداد در طول جنگ با ایران باعث شد تا در دهه نخست انقلاب اسلامی روابط دو کشور با تیرگی و تنش‌های مختلفی همراه باشد. به‌ویژه بعد از اقدام سعودی‌ها در کشتار حجاج ایرانی این تیرگی و تنش بین تهران و ریاض بیشتر شد. اما پایان جنگ ایران و عراق و تحولاتی مانند حمله عراق به کویت و رویکرد تهران در قبال این بحران باعث شد که در دوره سازندگی روابط بین دو کشور ارتقا پیدا کند و همکاری‌های دو طرف در ابعاد مختلف گسترش یابد. در دوره اصلاحات و با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی از سوی ایران، روابط دو کشور شاهد پیشرفت‌های بیشتری بود و از این‌رو توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. از نمونه‌های این روابط، گسترش تعاملات سیاسی و دیپلماتیک و امضای توافقنامه امنیتی بین دو کشور بود.

با وجود اینکه روابط ایران و عربستان سعودی در دوره بعد از جنگ تحمیلی شاهد پیشرفت‌های مناسبی بود و بسیاری از تنش‌ها و اختلافات گذشته از بین رفت و تعدیل شد، با این وصف دو کشور هرگز نتوانستند به مرحله حل کامل اختلافات و همگرایی نسبی برسند و بسیاری از اختلافات کماکان بین دو کشور باقی ماند. حمایت عربستان سعودی از موضع امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی، تداوم مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس و تأکید ریاض بر حضور نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای در خلیج فارس که با دیدگاه امنیت بومی ایران مغایر بود و همچنین تفاوت دیدگاه‌های دو طرف در مورد فلسطین از جمله مواردی بود که مانع از همگرایی بین دو کشور شد. با این حال در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ در کنار برخی اختلافات گذشته و بی‌اعتمادی موجود، برخی تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای جدید مانند تغییر رژیم در عراق، تحولات حوزه شامات مانند قدرت‌گیری حماس و حزب‌الله و تقویت محور مقاومت نیز شکل گرفتند که به اختلافات دامن زدند. در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ وقوع بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی و تحولات جدید در جهان عرب زمینه دیگری برای تشدید اختلافات تهران و ریاض را به‌وجود آورد و این درحالی بود که به قدرت رسیدن دولت دکتر احمدی‌نژاد در هشت سال گذشته و نگاه خاص آن دولت به مسائل

منطقه در کنار موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران مؤلفه‌های اختلاف‌آفرین و تنش‌زای دیگری را به روابط ایران و عربستان سعودی اضافه کرد و در نهایت مجموع این مسائل باعث استیلائی نوعی جنگ سرد در روابط دو کشور شد.^(۱)

به‌طور کلی در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ و با وقوع تحولات جدید در خاورمیانه از جمله در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، برخی روندهای مبتنی بر اعتمادسازی و تنش‌زدایی بین ایران و عربستان سعودی تضعیف و رقابت‌های بین دو کشور در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای تا حد زیادی تشدید شد. در نتیجه با گسترش رقابت‌ها و اختلافات بین دو کشور بی‌اعتمادی و تنش‌های بین تهران و ریاض گسترش یافت و برخی از تلاش‌های ایران برای ممانعت از گسترش اختلافات نیز به نتیجه مطمئنی نرسید و به‌خصوص ریاض به گسترش رویکردهای منفی و خصومت‌آمیز خود در برابر تهران مبادرت ورزید. بر این اساس حوزه‌های همکاری و تفاهم کاهش یافت و حملات رسانه‌ای و تلاش‌های منفی متقابل در عرصه بین‌المللی به رقابت‌های سیاسی و منطقه‌ای دو کشور اضافه شد. در نتیجه امیدواری‌ها برای حل تنش‌ها و اختلافات ایران و عربستان کمرنگ شد. به‌خصوص اینکه عربستان سعودی رویکرد کاملاً منفی و خصمانه‌ای در مورد منافع و مسائل مختلف مربوط به جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت که از جمله مهمترین آنها عبارت بودند از: مقابله با متحدین و سیاست‌های ایران در منطقه از جمله در عراق و شامات، گسترش توانمندی نظامی خود در مقابل ایران، همکاری جدی با آمریکا و رژیم اسرائیل برای ایجاد فشارها و محدودیت‌ها و تحریم‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی علیه ایران، مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران و تشویق دولت‌های عربی به کاهش تعاملات و روابط با تهران.

به‌طور خلاصه در سال‌های اخیر «سردی» مهمترین ویژگی روابط سیاسی - دیپلماتیک ایران و عربستان بوده و مناسبات تهران و ریاض بین «صلح سرد» تا «جنگ سرد» در نوسان بوده است. بر این اساس به‌رغم برخی تلاش‌های یک سویه طرف ایرانی (۴ بار سفر احمدی‌نژاد به عربستان سعودی بدون سفر متقابل مقام ارشد سعودی)، تعاملات و دیدارهای جدی و تعیین‌کننده مقامات ارشد دو کشور کمتر در جریان بوده است.^(۲) همچنین جنگ رسانه‌ای و تقابل دیپلماتیک به‌رغم برخی فراز و فرودها، ویژگی دیگر روابط ایران و عربستان سعودی در سال‌های اخیر بوده است و به‌خصوص رسانه‌های دو کشور به تبلیغات منفی شدید درخصوص نظام سیاسی و سیاست‌های داخلی و خارجی کشور مقابل پرداخته‌اند.

در عرصه نظامی - امنیتی در سال‌های گذشته رقابت نظامی و نگرش تهدیدمحور بر روابط تهران و ریاض استیلا داشته است. ایران به تقویت توان نظامی و تسلیحاتی خود در برابر هرگونه تهدید از جنوب خلیج فارس پرداخته و عربستان سعودی نیز به خرید تسلیحات و همکاری نظامی با



آمریکا برای هرگونه رویاوری نظامی با ایران اقدام کرده است. عربستان برنامه هسته‌ای ایران و اقدامات اطلاعاتی و امنیتی نهادها و نوع رویکرد ایران به شیعیان این کشور را به‌عنوان تهدید می‌نگرد و ایران نیز اقدامات عربستان در تعامل با سنی‌ها و محیط داخلی ایران را به‌عنوان مسئله‌ای امنیتی تلقی می‌کند. در عرصه اقتصادی متأثر از سردی روابط سیاسی، ایران و عربستان سعودی شاهد کاهش سطح تبادلات تجاری و همکاری‌های اقتصادی بوده‌اند. به‌گونه‌ای که سطح مبادلات تجاری دو کشور از ۵۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به ۲۱۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. علاوه بر این عربستان سعودی برای تحریم اقتصادی ایران با کشورهای غربی همکاری زیادی داشته است. در عرصه اجتماعی نیز سطح تعاملات اجتماعی و مردمی بین دو کشور متأثر از فضای خصومت‌آمیز روابط در حد پایینی بوده و اعزام حجاج ایرانی به حج تنها استثنای مهم و غیرقابل اجتناب در این خصوص به‌شمار می‌رود.

۲. حوزه‌های رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی

با توجه به روند تحول روابط ایران و عربستان و شرایط کنونی منطقه آنچه که اهمیت بیشتری دارد این است که حوزه‌های رقابت و اختلاف بین دو کشور شناسایی و تبیین شود تا بتوان به راهبردهایی مناسب برای کاهش سطح اختلافات دوجانبه دست یافت. نگاهی به سیاست‌ها و راهبردهای ایران و عربستان سعودی در سطح منطقه نشان می‌دهد که دو کشور در اغلب حوزه‌ها، راهبردها و منافع متفاوت و یا متعارضی را دنبال می‌کنند. به‌طور کلی مهمترین حوزه‌های رقابت و اختلاف تهران و ریاض عبارتند از: بحران سوریه، بحران بحرین، تحولات لبنان و فلسطین، تحولات عراق، تحولات یمن، بحران مصر، مسائل جهان اسلام و اختلافات مذهبی، مسئله هسته‌ای ایران، ساختار و رقابت‌های سیاسی و امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه.

- بحران سوریه

در شرایط کنونی بحران سوریه فعال‌ترین و استراتژیک‌ترین حوزه رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی در سطح منطقه محسوب می‌شود و دو کشور دو سیاست کاملاً متعارض را در این کشور دنبال می‌کنند. بحران سوریه و آینده آن از این‌رو اهمیت استراتژیک بالایی دارد و به نقطه کانونی در اختلافات بین ایران و عربستان سعودی تبدیل شده است که هر دو طرف آینده ساختار قدرت و توازن قوای منطقه‌ای را تا حد بالایی به سرانجام تحولات سوریه مرتبط می‌دانند. ایران سقوط دولت بشار اسد و روی کار آمدن تکفیری‌ها را اقدامی مغایر با منافع و انسجام جبهه مقاومت دانسته و این روند

را در راستای منافع رژیم صهیونیستی و جبهه سازش تفسیر می‌کند، حال آنکه عربستان به قدرت رسیدن شورشیان در سوریه را گامی برای تقویت موقعیت خود در منطقه به حساب آورده و از این طریق در صدد ضربه‌زدن به جبهه مقاومت به‌عنوان نیروی برتر معادلات منطقه است. درحالی که جمهوری اسلامی ایران خواستار حفظ ساختار قدرت موجود در سوریه و استمرار نقش منطقه‌ای این کشور به‌عنوان عضو کانونی‌محور مقاومت است، عربستان سعودی و متحدین غربی و منطقه‌ای آن خواستار تغییر رژیم و ساختار قدرت و تغییر نقش منطقه‌ای دمشق و خروج آن از محور مقاومت هستند. به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت که هدف اصلی ریاض و متحدین آن از تشدید بحران و جنگ در سوریه جدا ساختن آن از ائتلاف منطقه‌ای با ایران است.^(۳)

بحران سوریه روندی طولانی، پیچیده و دشوار را طی می‌کند که ناشی از تعدد بازیگران داخلی و خارجی دخیل در بحران و موازنه نسبی بین دولت سوریه و معارضین در داخل و جبهه گسترده حامیان و مخالفین اسد در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. نکته مهم دیگر اینکه هیچ گزینه مطلوب و ساده‌ای برای تغییر شرایط سوریه برای هیچ‌یک از طرفین بحران وجود ندارد و این فقدان گزینه‌های جایگزین در کنار موازنه نسبی نیروها، پیشبرد شرایط و حل بحران را دشوار ساخته است. با تمام این اوضاع بحران سوریه همچنان اهمیت استراتژیک خود برای بازیگرانی مانند ایران و عربستان سعودی را حفظ کرده است و دو طرف با برخی تغییرات تاکتیکی همچنان به پیشبرد سیاست‌ها و راهبردهای کلان خود در این حوزه ادامه می‌دهند. بر این اساس به‌نظر می‌رسد که تا زمانی که بحران سوریه بدین ترتیب ادامه یابد کماکان به‌عنوان مانع اصلی ترمیم روابط و بهبود همکاری‌های ایران و عربستان سعودی عمل خواهد کرد، مگر اینکه دو کشور به‌گونه‌ای بتوانند به تفاهم منطقه‌ای دست‌یابند و در راستای اتخاذ راه‌حل‌های مرضی‌الطرفین حرکت کنند. مسئله‌ای که احتمال وقوع آن دشوار به‌نظر می‌رسد و با موانع مختلفی روبرو است.

- بحران بحرین

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بحران بحرین نیز اهداف و منافع متعارضی را دنبال می‌کنند. ویژگی‌های خاص بحران بحرین از جمله مجاورت جغرافیایی، تأثیرگذاری مستقیم بر منافع امنیتی و سیاسی و تأثیر تعیین‌کننده نتایج تحولات بر توازن قدرت در حوزه خلیج فارس باعث شده تا رویکردها و روابط دو طرف به‌صورتی بنیادین از این بحران تأثیرپذیر باشد. رویکردهای ایران و عربستان سعودی در قبال بحران بحرین کاملاً در مقابل هم قرار دارد. ایران به حمایت از معترضین بحرینی پرداخته و لزوم توجه حکومت به حقوق و درخواست‌های مردم را مورد تأکید قرار داده و



در مراحل بعدی به سرکوب مخالفین از سوی رژیم آل خلیفه و به خصوص ورود نیروهای سعودی و اماراتی به بحرین به شدت اعتراض کرده است. در مقابل، عربستان سعودی به طور کامل در کنار حکومت آل خلیفه قرار گرفته و حمایت همه‌جانبه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود از حکومت بحرین را به صورت عملی نشان داده است. این حمایت از آل خلیفه و مخالفت با جنبش مردمی تا حدی است که در اغلب موارد حتی باعث نادیده گرفته شدن و به حاشیه رفتن برخی دیدگاه‌های معتدل‌تر درون حکومت بحرین مانند رویکردهای ولیعهد شده است.

عربستان سعودی هرگونه تغییر و اصلاحات سیاسی در بحرین را از چند منظر به عنوان تهدیدی برای رژیم سیاسی خود و سایر رژیم‌های جنوب خلیج فارس می‌داند و بر این اساس با تغییرات سیاسی در این کشور مخالفت می‌ورزد. اولین نکته تداوم اعتراضات و سرایت آن به سایر کشورهای عضو شورا به خصوص خود عربستان سعودی است که شیعیان در استان شرقی آن در مجاورت بحرین قرار دارند. مسئله دوم نمودار شدن الگوی نوینی از نظام سیاسی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد بحران مشروعیت برای رژیم‌های سیاسی حاکم است که باعث برهم خوردن نظم سیاسی موجود در این منطقه می‌شود. مسئله مهم دیگر نگرانی این دولت‌ها از برهم خوردن توازن قدرت موجود در خلیج فارس در نتیجه به قدرت رسیدن شیعیان در بحرین است که از منظر رهبران این کشورها باعث گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این حوزه می‌شود. با توجه به این نوع دیدگاه‌ها، عربستان سعودی و سایر رژیم‌های شورای همکاری خلیج فارس سعی کردند به صورت منسجم و در رویکردی تهاجمی به حمایت از حکومت آل خلیفه و مقابله با مخالفین بپردازند و در این راستا به اتخاذ مواضع و اقدامات مختلف سیاسی و امنیتی مبادرت ورزیدند.

جمهوری اسلامی ایران با آغاز قیام مردمی در بحرین به حمایت از حقوق سیاسی مخالفین پرداخت، اما عربستان سعودی در سیاست‌ها و اقدامات خود برای مهار بحران بحرین بخش مهمی از تلاش‌ها و مواضع سیاسی - دیپلماتیک و تبلیغاتی خود را بر علیه جمهوری اسلامی ایران سازماندهی کرد. در این خصوص می‌توان به انتشار بیانیه علیه ایران و تأکید بر لزوم عدم مداخله تهران در امور داخلی کشورهای عضو شورا و همچنین ارائه شکایت علیه ایران به شورای امنیت اشاره کرد. در بیانیه نشست وزارتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض، این شورا از جامعه جهانی و شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد تا از مداخلات و تحریکات به زعم آنها آشکار ایران در این کشورها جلوگیری کنند. تهدید ریاض به فراخوانی دیپلمات‌های خود از تهران در صورت عدم حفاظت بیشتر از آنها، واکنش نمایندگان مجلس عربستان به بیانیه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران و تهدیدات سفیر عربستان در مصر علیه ایران

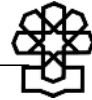
از جمله اقدامات دیگر ریاض علیه ایران بود. در عرصه رسانه‌ای و تبلیغاتی، شبکه‌ها و سازمان‌های رسانه‌ای عربستان سعودی به‌خصوص شبکه العربیه در راستای اهداف و طرح‌های سیاسی این کشور سعی کردند تا تصویر خاص خود را از تحولات بحرین ارائه دهند که به‌خصوص بر وابسته نشان دادن اعتراضات به خارج و مداخله جمهوری اسلامی ایران و همچنین شیعی و فرقه‌ای مطرح کردن اعتراضات متمرکز بود.

عربستان سعودی سعی کرد تا با القای این موضوع که اعتراضات در بحرین جنبه فرقه‌ای و منطقه‌ای دارد و به‌خصوص باعث گسترش نفوذ ایران می‌شود، منابع بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی را برای حمایت از حکومت آل خلیفه بسیج کند و از این طریق بحران بحرین را مهار کند. این اقدام به‌خصوص در جهت افزایش حمایت غرب و به‌خصوص آمریکا از آل خلیفه و ممانعت از هرگونه دگرگونی سیاسی مهم در بحرین به انجام رسید. جمهوری اسلامی ایران با وجود رویکرد تهاجمی عربستان سعودی سعی کرد با برخی اعضای معتدل‌تر شورای همکاری خلیج فارس از جمله قطر، عمان و کویت رایزنی‌های دیپلماتیک خود را گسترش دهد و این کشورها را به تعدیل رویکرد خود درخصوص بحرین ترغیب کند، اما علیرغم این تلاش‌ها نقش کانونی عربستان تاکنون مانع هرگونه پیشرفت در حل بحران بحرین بوده است. در واقع با توجه به اهمیت نتایج این بحران برای سیاست خارجی و منافع منطقه‌ای ایران و اعضای شورای همکاری، تداوم تعارض اهداف و منافع دو طرف در این حوزه و همچنین فقدان راه‌حل‌های میانه که بتواند به حل و فصل و تعدیل بحران منجر شود، می‌توان نتیجه گرفت که بحران بحرین همچنان به‌عنوان مؤلفه‌ای تنش‌زا و مسئله‌ساز در روابط ایران و عربستان سعودی باقی‌مانده است.^(۴)

- تحولات لبنان و فلسطین

حوزه لبنان و فلسطین نیز یکی دیگر از حوزه‌های مهم رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه گذشته همواره از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین در مبارزه با رژیم صهیونیستی حمایت کرده و با طرح‌ها و سیاست‌های مختلف مانند طرح صلح خاورمیانه برای شناسایی و پذیرش اسرائیل، مخالفت کرده است. اما سیاست عربستان سعودی در این حوزه متفاوت بوده و عمدتاً از گروه‌های سازشگر مانند سازمان فتح در فلسطین و اعراب سنی در لبنان، حمایت بیشتری به‌عمل آورده است. بر این اساس دو کشور اهداف و منافع خود را در پیوند با گروه‌ها و جریان‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند.

پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۴ و افزایش تدریجی نقش آفرینی و



تأثیرگذاری این گروه، به‌خصوص مقاومت در برابر اسرائیل در جنگ ۲۲ روزه سال ۲۰۰۸ و همچنین نمایش قدرت حزب... در برابر اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ و افزایش تأثیرگذاری این گروه در لبنان، از تحولات مهم یک دهه گذشته است که نشان‌دهنده تقویت نقش و قدرت گروه‌های مقاومت در این دو کشور است. تحولی که از منظر سعودی‌ها به افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و تعیین‌کنندگی بالاتر آن در معادلات و منازعه اعراب - اسرائیل منجر شده است. در واقع عربستان سعودی، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت را به‌عنوان مداخله غیرمشروع در مسائل حوزه عربی تلقی می‌کند و در تلاش است تا از گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در این حوزه بکاهد. در این راستا تضعیف و تعدیل قدرت و نقش‌آفرینی گروه‌هایی مانند حماس و حزب... از اهداف عمده سعودی‌ها در فلسطین و لبنان به‌شمار می‌رود. با پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین، اغلب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی، بیشتر مایل بودند که حماس خط‌مشی خود را از مقاومت به سمت مذاکره و شناسایی اسرائیل تغییر دهد. در جریان جنگ ۲۲ روزه غزه نیز سعودی‌ها در قبال حملات اسرائیل به غزه سکوت کردند و حتی گزارش‌ها و نشانه‌هایی از خشنودی سعودی‌ها از این حمله آشکار شد.^(۵) این رویکرد سعودی‌ها در تحولات بعدی مانند جنگ هشت روزه غزه در سال ۲۰۱۲ نیز کماکان تداوم یافت.

طی جنگ ۳۳ روزه نیز سعودی‌ها گروه حزب... را به ماجراجویی و ضربه به منافع اعراب متهم کردند، درحالی که توده‌های عرب خواستار حمایت از این گروه در مقابل اسرائیل بودند. استفاده سعودی‌ها از منابع پولی و مالی و تزریق وسیع آن به لبنان، برای تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی و امنیتی این کشور همچنان تداوم دارد. در سال‌های پس از ۲۰۰۶، عربستان سعودی سعی کرد با اختصاص منابع پولی قابل توجه به تقویت گروه‌های مخالف حزب... بپردازد و یا شبکه‌ها و گروه‌های جدیدی را ایجاد کند. علاوه بر این سعودی‌ها برای پیروزی جناح ۱۴ مارس در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۹ لبنان، سرمایه‌گذاری کردند و فعالیت‌های وسیعی انجام دادند تا از تسلط حزب... و گروه‌های متحد آن در قالب جریان ۸ مارس در لبنان جلوگیری کنند. این مجموعه اقدامات سعودی‌ها به‌عنوان تلاش برای گسترش نفوذ و به‌خصوص موازنه‌سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران در این حوزه‌ها بوده است. همچنین بعد از تشدید بحران سوریه و برجسته شدن نقش حزب... در حمایت از دولت سوریه، رویکردهای عربستان سعودی به‌این جنبش خصمانه‌تر شد و تلاش‌های سیاسی - تبلیغاتی ریاض برای محدودکردن حزب... با تغییر ائتلاف‌های سیاسی درونی لبنان و همچنین فشارهای منطقه‌ای افزایش یافت.

- تحولات عراق

عراق پس از صدام یکی دیگر از حوزه‌های رقابت و اختلاف ایران و عربستان سعودی محسوب می‌شود. حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم در این کشور، سرآغاز مجموعه تحولات و روندهایی در منطقه خاورمیانه بود که بستری را برای تغییر توازن قدرت سنتی در منطقه ایجاد کرد. این روند به‌ویژه از سوی کشورهای عربی در جهت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است و بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به سوی نوعی همکاری و تعامل در جهت توازن‌سازی در مقابل ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ آن سوق داده است. در این چارچوب عربستان سعودی در مقایسه با سایر بازیگران، تلاش‌ها و اقدامات بیشتری را به انجام رسانده است تا مانع از موفقیت روند جدید دولت‌سازی و تثبیت نظام سیاسی دموکراتیک در عراق شود.

تغییر رژیم در عراق، به قدرت رسیدن شیعیان و کردها در قالب روند دموکراتیک و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم بعث، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی کند. نظام سیاسی جدید عراق، برخلاف رژیم بعث که گرایش و رویکردهای ضدایرانی شدیدی داشت و عمدتاً به‌عنوان بازیگری موازنه‌بخش در برابر ایران محسوب می‌شد، از رهبران سیاسی برخوردار است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران علاقمند هستند. شرایط جدید امیدها و بستری را برای ایجاد روابط استراتژیک بین دو کشور ایجاد کرد و این مسئله که به مفهوم پدیدار شدن تغییر در توازن استراتژیک سنتی در منطقه بود، باعث نگرانی رهبران سعودی شد و در نتیجه تلاش‌های آنها برای ممانعت از تثبیت وضعیت نوین عراق را در پی داشت.

هرچند با بهبود نسبی شرایط امنیتی عراق بعد از سال ۲۰۰۸ امیدواری‌هایی در زمینه تغییر رویکرد عربستان سعودی به عراق و پذیرش واقعیت‌های جدید این کشور به‌وجود آمد و نشانه‌هایی نیز در این خصوص مانند دعوت از گروه‌های عراقی برای رسیدن به تفاهم در تشکیل دولت بعد از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ بروز کرد، اما بدتر شدن وضعیت امنیتی عراق بعد از سال ۲۰۱۱، از جمله در نتیجه بحران سوریه و بازگشت بی‌ثباتی‌ها نشان داد که ریاض همچنان به حمایت از گروه‌های مسلح و بی‌ثباتی در عراق تمایل دارد و اهدافی مانند جلوگیری از تثبیت نظام سیاسی و از جمله قدرت گرفتن شیعیان در عراق را دنبال می‌کند. این درحالی است که ایران نگران گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در عراق است و به حمایت از روند دولت‌سازی و امنیت‌سازی در عراق ادامه می‌دهد.



- بحران مصر و تحولات یمن

بحران مصر و تحولات یمن دو حوزه مهم دیگر در عرصه منطقه‌ای است که ایران و عربستان سعودی در قبال آنها دچار اختلاف هستند. هر چند تحولات این دو حوزه و رویکردهای عربستان سعودی در قبال آنها در مقایسه با بحران سوریه و بحرین اهمیت کمتری دارد، اما اختلاف دیدگاه‌ها و سیاست‌های دو طرف در قبال آنها قابل کتمان نیست. به خصوص آینده مصر که نقش کانونی در تحولات جهان عرب و موازنه قدرت منطقه‌ای دارد برای ریاض و تهران از اهمیت بالایی برخوردار است. ایران خواستار پیشرفت جنبش مردمی و تغییرات اساسی در ساختار قدرت مصر و تحول نقش منطقه‌ای این کشور از همکاری با غرب و اسرائیل به سوی اتخاذ رویکرد ملی و مستقل منطقه‌ای و وفاداری نسبت به فلسطین بوده است. به قدرت رسیدن اخوانی‌ها در مصر امیدهایی را برای ایران جهت نیل به این اهداف ایجاد کرد. هر چند که محمد مرسی رفتارهایی در مغایرت با منافع ایران در عرصه داخلی و منطقه‌ای اتخاذ کرد، اما کنار گذاشتن مرسی از قدرت و تسلط ارتش در مصر از نظر ایران یک روند معکوس و منفی در این کشور بوده است. اما ریاض که از کنار رفتن مبارک و قدرت گرفتن اخوانی‌ها در مصر نگران بود، اکنون با تمام قدرت از تسلط ارتش و عناصر رژیم سابق و تضعیف جریان اخوان‌المسلمین در مصر حمایت می‌کند.

در یمن، ایران از جنبش مردمی در جهت تغییر ساختار قدرت و شرایط این کشور حمایت می‌کند و در راستای مطالبات مردمی خواستار افزایش سرعت و گستره تغییرات در یمن است. یمن از یکسو موقعیت استراتژیکی برای تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای از جمله در برابر آمریکا و در رقابت با عربستان سعودی دارد و از سوی دیگر پتانسیل‌ها و بسترهای مهمی مانند جنبش «حوثی‌ها» و «حراک جنوبی» در این کشور وجود دارد که می‌تواند روند تغییرات در یمن را توسعه دهد. برای عربستان سعودی، یمن با توجه به مجاورت جغرافیایی و تأثیرگذاری سیاسی و امنیتی تحولاتش بر این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است و در نتیجه ریاض به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر خارجی هدایت‌کننده تحولات یمن به‌شمار می‌آید. در واقع عربستان سعودی خواستار تداوم ساختار قدرت گذشته و حداقل تغییرات در یمن است و بر این اساس سعی دارد از تمام نفوذ سیاسی، مذهبی و اقتصادی خود برای جلوگیری از ایجاد تغییرات اساسی در این کشور استفاده کند.

- مسائل جهان اسلام و اختلافات مذهبی

مسائل کلان جهان اسلام و موضوعات مذهبی نیز یکی دیگر از حوزه‌های رقابت ایران و عربستان سعودی محسوب می‌شود. بعد از وقوع انقلاب اسلامی، رقابت‌های ایران و عربستان برای رهبری

جهان اسلام همواره یکی از مسائل مهم در روابط آنها بوده است. وجود شهرهای مقدس مکه و مدینه در عربستان باعث شده که این کشور برای خود مرکزیتی در زمینه رهبری و هدایت جهان اسلام و به‌خصوص اهل سنت قائل باشد. همچنین جمهوری اسلامی ایران همواره دیدگاه‌های کلان اسلامی و انقلابی معتبری برای مسلمانان مطرح ساخته و از این طریق رهبری جهان اسلام از سوی سعودی‌ها را با توجه به رویکردهای آنان از جمله در مقابل غرب و اسرائیل به چالش کشیده است. با این حال موضوع مهمتری که در یک دهه اخیر باعث اختلافات بیشتر بین دو کشور شده است، تشدید اختلافات و تنش‌های شیعی و سنی در سطح منطقه بوده است.

به‌طور کلی تحولات یک دهه گذشته و تغییراتی که در سطح ژئوکالچرال در منطقه به‌وقوع پیوسته و منجر به تقویت موقعیت شیعیان شده و همچنین رشد و نمو ایدئولوژی‌ها و جریان‌های افراط‌گرایی ضدشیعی در میان سنی‌ها باعث شده تا تنش‌های شیعی - سنی در منطقه تشدید شود. قدرت گرفتن شیعیان در منطقه پس از تغییر رژیم در عراق و سپس تحولات لبنان که نقش شیعیان این کشور را برجسته ساخت و همچنین پدیدار شدن چشم‌اندازی جدید برای آنها در سایر کشورهای منطقه به‌خصوص بحرین هر چند براساس واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای قابل تعریف است و به خودی خود تهدیدی برای سایر گروه‌های مذهبی از جمله سنی‌ها محسوب نمی‌شود، اما باعث واکنش برخی رهبران و دولت‌های عربی و گروه‌های افراط‌گرایی مانند وهابیون و القاعده شده است و تنش‌های شیعی - سنی را شدت بخشیده است. این تنش‌ها که تهدیدی برای ثبات و امنیت منطقه‌ای است چالشی برای تثبیت نقش شیعیان و نفوذ منطقه‌ای ایران است و از این رو از سوی کشورهایمانند عربستان سعودی تشویق می‌شود.^(۱)

- مسئله هسته‌ای ایران

هر چند که مسئله هسته‌ای ایران موضوعی داخلی است و ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه خود تأکید کرده است، اما بین‌المللی شدن آن در یک دهه گذشته باعث واکنش دولت‌های مختلف از جمله عربستان سعودی شده و در نتیجه این مسئله کم‌وبیش به یک موضوع اختلاف‌آفرین بین دو کشور تبدیل شده است. درحالی که ایران به توسعه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود به‌عنوان برنامه‌ای در راستای توسعه توانمندی علمی و فنی پرداخته و در عین حال تلاش کرده است تا از طریق همکاری با مجامع بین‌المللی و شفاف‌سازی فعالیت‌های خود به کاهش نگرانی‌های خارجی بپردازد، سعودی‌ها اقدامات مختلفی را برای ناکام گذاشتن تلاش‌های ایران در مسیر هسته‌ای شدن انجام داده‌اند. این رویکرد منفی و خصمانه دولت سعودی که در همراهی و تشویق اعمال فشار و



تهدید علیه ایران در سطح بین‌المللی نمودار شده است، منبعی برای تنش بین ریاض و تهران بوده است. این تنش‌ها زمانی بیشتر شد که ایران سطح مخالفت و مانع‌تراشی سعودی‌ها برای برنامه هسته‌ای را بسیار عمیق‌تر یافت.

اسناد ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که از میان رهبران عربی منطقه و حتی جهان، پادشاه عربستان بیش از همه خواستار متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران از راه حمله نظامی آمریکا بوده است. در اسناد ویکی‌لیکس به درخواست‌های مکرر ملک عبدا... از آمریکا برای حمله به ایران و پایان دادن به برنامه هسته‌ای تهران اشاره شده است. طبق این اسناد، ملک عبدا... در پیام خود به آمریکایی‌ها درباره حمله به ایران می‌گوید: «سر این مار را قطع کنید». پادشاه عربستان درخواست حمله به ایران را در جریان دیدار ماه آوریل سال ۲۰۰۸، با «رایان کراکر» سفیر سابق آمریکا در عراق و ژنرال «دیوید پترائوس»، فرمانده وقت نیروهای آمریکایی در عراق مطرح ساخته است. همچنین ویکی‌لیکس مدعی شده است که دو روز پس از این دیدار، «عادل الجبیر» سفیر عربستان در واشنگتن به سفارت آمریکا در عربستان موضوع تأکید پادشاه کشورش به آمریکایی‌ها مبنی بر متوقف کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را یادآور شده است.^(۷)

- ساختار و رقابت‌های سیاسی و امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی علاوه بر مؤلفه‌های مورد اختلاف و رقابت بالا در سطوح دوجانبه و منطقه‌ای، در مورد ساختار و نظم سیاسی و امنیتی خاورمیانه نیز اختلاف نظرهای جدی دارند. آنها همچنین با رقابت‌های نظامی و تسلیحاتی در سطح منطقه مواجهند. درخصوص ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه‌ای، ریاض خواستار تداوم و گسترش حضور و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای به‌خصوص در خاورمیانه است و در نتیجه عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه از تقویت روابط استراتژیک و نظامی خود با غرب استقبال کرده‌اند. اما جمهوری اسلامی ایران مخالف حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های بزرگ در منطقه است و معتقد است که ثبات منطقه تنها باید از طریق ترتیبات سیاسی و امنیتی بومی و با مشارکت کشورهای منطقه تأمین شود. این اختلاف دیدگاه باعث شده تا هرگونه همکاری و تلاش جمعی بین ایران و عربستان برای بهبود شرایط سیاسی و امنیتی منطقه با چالش مواجه شود.

مسئله مهم دیگر که به‌خصوص در یک دهه گذشته به واسطه افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و تنش‌های بین ریاض و تهران تشدید شده، رقابت‌های نظامی و تسلیحاتی است که به گسترش بی‌اعتمادی متقابل بین دو کشور انجامیده است. درحالی که ایران در مواجهه با تهدیدات نظامی

خارجی به گسترش توانمندی نظامی دفاعی خود در طول سال‌های گذشته پرداخته است، عربستان سعودی نیز به خرید گسترده تسلیحاتی از غرب روی آورده و در نتیجه احساس تهدید از طرف مقابل صورت تصاعدی به خود گرفته است. بررسی روندهای هزینه‌های نظامی در منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ بیانگر آن است که هزینه‌های نظامی کشورهای این منطقه در سال ۲۰۱۰، حدود ۲/۵ درصد بیش از سال ۲۰۰۹ و ۳۵ درصد بیشتر از سال ۲۰۰۱ بوده است. بیشترین افزایش مطلق هزینه‌های نظامی در میان کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ به عربستان سعودی تعلق داشته است. در سال ۲۰۱۰ هزینه‌های نظامی این کشور، ۴۵/۲ میلیارد دلار بوده است که ۶۳ درصد افزایش را نسبت به سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد. این هزینه‌ها ۱۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی عربستان را شامل می‌شود، در حالی که متوسط هزینه نظامی کشورهای جهان ۲/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها بوده است.^(۸)

۳. بسترها و فرصت‌های همکاری در پرتو سیاست خارجی اعتدالی

با وجود اینکه رقابت‌ها و اختلافات ایران و عربستان سعودی در طول یک دهه گذشته افزایش یافته و روابط و همکاری‌های بین دو کشور روند نزولی را طی کرده است، اما این موضوع را نمی‌توان به منزله فقدان هرگونه بستر و فرصتی برای همکاری و ارتقای روابط تلقی کرد. زیرا دو کشور با توجه به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالا و تأثیرگذاری و نفوذ منطقه‌ای در صورتی که بتوانند تنش‌ها را کاهش داده و تا حدی به سمت اعتمادسازی حرکت کنند، می‌توانند از بسترها و فرصت‌های همکاری نیز بهره‌گیرند و روابط بهتری را ایجاد کنند. چنین روابطی هم می‌تواند منافع و ثبات دو کشور را افزایش دهد و هم به بهبود ثبات و امنیت منطقه کمک کند. در این راستا توجه به بسترها و فرصت‌های همکاری و تعامل بین ایران و عربستان سعودی در قالب رویکرد جدید سیاست خارجی ایران موسوم به سیاست خارجی اعتدالی در دوره ریاست‌جمهوری دکتر روحانی اهمیت می‌یابد.

از آنجایی که تلاش دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی برمبنای پیشبرد گفتمان اعتدال‌گرایی بنا نهاده شده است هرگونه تحول در روابط ایران و عربستان سعودی را باید در بستر این گفتمان نوین در سیاست خارجی ایران بررسی کرد. هر چند که به استثنای مدت زمان کوتاه اولیه پس از انقلاب، در طول دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی ابرگفتمان اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده است، اما این ابرگفتمان در قالب خرده‌گفتمان‌های مختلفی از جمله آرمان‌گرایی انقلابی، مصلحت‌گرایی، واقع‌گرایی یا عمل‌گرایی، صلح‌گرایی و اصول‌گرایی تعین و تجلی یافته است. هریک از این خرده‌گفتمان‌ها در عین اشتراک در اصول و



احکام بنیادی، در گزاره‌های فرعی و اشتقاقی با هم تفاوت و تمایز دارند. از این رو همگی آنها در یک پیوستار قرار می‌گیرند که در یک سر آن آرمان‌گرایی اسلامی و در سر دیگر آن واقع‌گرایی اسلامی قرار دارد.^(۹) تسلط هریک از گفتمان‌ها در عرصه سیاست خارجی پیامدهایی برای سیاست و روابط خارجی کشور در دوره‌های مختلف و از جمله در سطح منطقه‌ای به همراه داشته است. در نتیجه در شرایط جدید که گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی از سوی رئیس‌جمهور جدید ایران مطرح شده است، هرچند همچنان اصول ثابت و منافع و آرمان‌های کلان سیاست خارجی مد نظر است، اما می‌توان انتظار برخی تغییرات در جهتگیری‌ها و تاکتیک‌های سیاست خارجی را داشت. طبعاً این تغییرات می‌تواند دگرگونی‌هایی را در روابط خارجی ایران ایجاد کند. نتیجه اینکه درک بسترها و فرصت‌های همکاری و تعامل بین ایران و عربستان سعودی تنها در چارچوب نگاه جدید دولت به سیاست خارجی امکانپذیر است و در این راستا باید بتوان به فهم نسبی از جهتگیری‌ها و مفاهیم اصلی سیاست خارجی اعتدالی به‌خصوص در قبال همسایگانی مانند عربستان سعودی دست یافت. درخصوص سیاست خارجی اعتدالی تاکنون دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است و هنوز چارچوب منسجمی را نمی‌توان برای آن ترسیم کرد، اما با نگاهی به سخنان دکتر روحانی و سایر دیدگاه‌های ارائه شده می‌توان به برخی مؤلفه‌های مهم این رویکرد در حوزه سیاست خارجی اشاره کرد. دکتر روحانی سیاست خارجی اعتدالی را تعامل سازنده در سیاست خارجی و نرمش و اعتدال و مانور قهرمانانه عنوان می‌کند.^(۱۰) این برداشت متأثر از رویکرد خاص مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری تحت عنوان «نرمش قهرمانانه» در رفتار و روابط خارجی است. همچنین به گفته رئیس‌جمهور در گفتمان اعتدال سیاست خارجی، واقع‌بینی یک اصل است، اما با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی، رویکرد اعتدالی باید بین واقع‌بینی و آرمان‌خواهی توازن لازم را ایجاد کند.^(۱۱) بر این اساس مهمترین دقیقه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعامل مؤثر سازنده است. به‌گونه‌ای که دکترین تعیین یافته در این گفتمان را می‌توان دکترین تعامل مؤثر سازنده نامید. از این رو، سیاست خارجی ایران براساس گفتمان اعتدال، در جهت تعامل فعال و توسعه و بازسازی روابط با جهان خارج حرکت خواهد کرد. بازسازی و توسعه روابط نیز بر پایه همزیستی مسالمت‌آمیز، تفاهم، احترام و منافع متقابل، تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل برای تأمین حداکثری منافع ملی ایران استوار خواهد بود. همچنین با توجه به نسبت و رابطه تنگاتنگ و استوار اعتدال، عقلانیت و واقع‌بینی در گفتمان اعتدال، عنصر واقع‌بینی در سیاست خارجی دولت یازدهم تشدید و تقویت خواهد شد به‌گونه‌ای که یکی از شاخص‌های سیاست خارجی اعتدال‌گرا توازن آرمان‌گرایی در نظریه و واقع‌گرایی در رویه خواهد بود.^(۱۲)

رویکرد اعتدال‌گرایی علاوه‌بر مؤلفه‌ها و جهت‌گیری‌های کلان در تعامل سازنده، تنش‌زدایی و

اعتمادسازی با جهان، اهمیت و اولویت بالایی به تعامل با کشورهای همسایه در جهت حل اختلافات و بهبود ثبات منطقه‌ای می‌دهد. در این راستا دکتر روحانی عنوان می‌کند: «دولت ما برای توسعه روابط با همسایگان خودش و همچنین کشورهای منطقه اولویت قائل است. توسعه روابط با همسایگان جزء دستور کار دولت فعلی خواهد بود. تلاش برای ایجاد آرامش و ثبات در منطقه و کاهش تنش‌هایی که امروز منطقه ما با آن مواجه است با کمک کشورهای دوست در این منطقه جزء اولویت‌های این دولت خواهد بود».^(۱۳) رویکرد فوق از سوی دولت اعتدال که با تأکید دکتر روحانی بر تقویت روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای حاشیه خلیج فارس و بالاتر از همه، عربستان سعودی همراه بود، باعث شد تا انتخاب روحانی و رویکرد سیاست خارجی وی پیام جدیدی از سوی ایران به ریاض تلقی شود. این رویکرد در مقابل، پیام تبریک پادشاه عربستان و برخورد مثبت سیاستمداران و رسانه‌های سعودی را به همراه داشت.

در حالی که ایران و عربستان سعودی در طول سال‌های گذشته شاهد گسترش اختلافات و رقابت‌ها بوده‌اند، انتخاب دکتر روحانی از سوی مردم به ریاست‌جمهوری و شخصیت، سوابق و رویکردهای وی در خصوص رابطه با ریاض و همچنین واکنش مثبت سعودی‌ها به روی کار آمدن دکتر روحانی هم خود فرصت و بسترساز حل اختلافات است و هم بهره‌گیری از فرصت‌ها و بسترهای بالقوه همکاری و تعامل بین دو کشور را تسهیل می‌کند. با این حال اینکه تا چه اندازه می‌توان از فرصت تغییر دولت در ایران و واکنش‌های مثبت در خصوص آن استفاده کرد و ظرفیت‌های بالقوه همکاری را به فعلیت درآورد به مؤلفه‌های مختلفی بستگی دارد. در خصوص مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار نیز می‌توان به مؤلفه‌های سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره کرد.

– مؤلفه‌های مؤثر بر تحول روابط

به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سطح ملی در ایران و عربستان سعودی می‌توانند بیشترین امکانات یا موانع را برای تغییر در روابط و بهبود آن ایجاد کنند. با توجه به اینکه در هر دو کشور طرفداران و مخالفین جدی برای بهبود و ارتقای روابط وجود دارد و هر کدام از این دو طیف منافع و استدلال‌های خاص خود را در این خصوص دارند، به‌رغم برخی خوش‌بینی‌ها و نشانه‌های مثبت، رقابت‌ها و اختلافات دو کشور در سال‌های گذشته، پیش‌بینی برآیند نهایی دیدگاه‌ها در هر کشور و روند تصمیم‌گیری در ریاض و تهران برای چگونگی تنظیم روابط دوجانبه را دشوار و مبهم ساخته است. براین اساس در صورتی که تردیدها در بهبود روابط و همکاری‌ها و بی‌اعتمادی متقابل همچنان تداوم داشته باشد و اراده‌ای جدی برای تغییر روابط و گذار از مخاصمات شکل نگیرد، با



توجه به سطح اختلافات و رقابت‌های موجود، امیدواری چندانی برای بهبود روابط وجود نخواهد داشت. با این حال در صورتی که اراده‌ای جدی در راستای تقویت فضای دوستی و اعتمادسازی بین دو کشور شکل بگیرد، به‌رغم تمامی رقابت‌ها و اختلافات موجود می‌توان به تدریج و در گام‌های مختلف به سوی بازسازی روابط حرکت کرد. با این حال این روند مستلزم تأمین منافع دو طرف و درک مشترک از افزایش منافع در نتیجه تعامل و از همه مهمتر عبور از مرحله خصومت و بی‌اعتمادی گسترده بین دو طرف است که نیازمند دیپلماسی رسمی و عمومی فعالانه‌ای از جانب دو کشور است.

در سطح منطقه‌ای، روند تحولات و معادلات منطقه‌ای به‌خصوص وضعیت حوزه‌های بحرانی مانند سوریه تأثیری جدی بر آینده روابط ایران و عربستان سعودی دارد. در صورتی که در حوزه‌های مهم و تأثیرگذار بر منافع و امنیت دو کشور و جایگاه منطقه‌ای آنها به‌خصوص سوریه، بحرین و عراق شرایط به سمت تشدید بحران و مناقشات پیش برود، تأثیر منفی بر روابط و تعاملات ریاض و تهران خواهد داشت. اما در صورتی که سطح بحران در حوزه‌های منطقه‌ای کاهش یابد و نیروهای داخلی و بازیگران بین‌المللی تأثیرگذار شرایط را به سمت نوعی همکاری و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها پیش ببرند، موانع گسترش روابط ایران و عربستان سعودی نیز کاهش خواهد یافت. با این حال نکته مهم و قابل توجه آن است که کاهش تخاصم و بی‌اعتمادی بین تهران و ریاض می‌تواند در سرنوشت بسیاری از این بحران‌ها تأثیرگذار باشد و باعث تسریع در روند حل‌وفصل آنها شود.

در سطح بین‌المللی نیز متغیرهای مهمی وجود دارند که نوع روابط ایران و عربستان سعودی را می‌دهند تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان نوع رویکرد غرب در قبال ایران در دوره جدید و یا به‌عبارتی نوع روابط ایران و غرب با محوریت آمریکا در دوره سیاست خارجی اعتدالی تأثیر مهمی بر مناسبات ایران و عربستان سعودی برجای می‌گذارد. به‌عبارت دیگر در صورتی که ایران و غرب بتوانند سطح تنش و مخاصمات سال‌های گذشته را کاهش دهند و به‌خصوص بر سر مسائل مهمی مانند برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها و تهدیدات علیه ایران به سطحی از همفکری و توافق دست یابند، مسیر همکاری و تعامل ایران و عربستان سعودی هموارتر می‌شود. موضوعی که تا حد زیادی از مناسبات ریاض با آمریکا و همراهی نسبی با غرب در قالب ائتلافی کلان ناشی می‌شود. هر چند که عربستان سعودی در بسیاری از موارد از نزدیکی ایران و غرب و به‌خصوص رسمیت دادن به نقش ایران در منطقه ابراز نگرانی کرده است، اما در صورتی که این روند با ارسال نشانه‌هایی مثبت برای ریاض همراه باشد، در نهایت چاره‌ای جز پذیرش این روند نخواهد داشت و آن را به‌عنوان فرصتی مثبت برای گسترش همکاری‌ها با ایران خواهد یافت.

- بسترها و فرصت‌های همکاری در سطح دوجانبه

در صورتی که ایران و عربستان سعودی در نهایت از اراده سیاسی لازم برای گسترش تعاملات و همکاری‌ها برخوردار شوند و مؤلفه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به این امر کمک کنند، می‌توان به بسترها و فرصت‌های مختلفی در سطوح دوجانبه و منطقه‌ای اشاره کرد که دو کشور با بهره‌گیری از آنها به گسترش تعاملات و تأمین منافع متقابل کمک خواهند کرد. در سطح دوجانبه می‌توان به بسترهای سیاسی، زمینه‌های تجاری و اقتصادی، بسترهای همکاری در حوزه انرژی، ظرفیت‌های مردمی و مدنی و غیردولتی، بسترهای امنیتی و نظامی و زمینه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی به‌عنوان مهمترین بسترها و فرصت‌های گسترش همکاری و تعاملات و یا کاهش رقابت‌ها و تخاصمات بین ایران و عربستان سعودی اشاره کرد.

در عرصه سیاسی، انتخاب دکتر روحانی به ریاست‌جمهوری و تسلط رویکرد اعتدالی در سیاست خارجی و واکنش‌های مثبت ریاض در کنار مؤلفه‌هایی مانند تجربه اعتمادسازی و گسترش تعاملات در دهه‌های گذشته بسترهایی مهم برای بهبود روابط هستند. سوابق دکتر روحانی در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه نقش‌آفرینی در بهبود روابط تهران و ریاض در دهه‌های گذشته از جمله در توافق امنیتی دو کشور باعث ترسیم چهره‌ای مثبت از وی نزد سعودی‌ها شده است. انتخاب افرادی که نگاه مثبتی نسبت به بهبود روابط با همسایگان دارند - مانند انتخاب علی شمخانی به سمت ریاست شورای عالی امنیت ملی - می‌تواند امیدواری‌ها را برای افزایش تعاملات سیاسی میان تهران و ریاض بیشتر کند.^(۱۴) در این شرایط همفکری و تعامل سیاسی و روزه‌های دیپلماسی نخستین گام برای بهبود مناسبات ایران و عربستان است و دو طرف می‌توانند با صرف‌نظر کردن از مخاصمات گذشته با نگاهی جدیدی به‌سوی همفکری و تعامل در شرایط جدید حرکت کنند. همچنین بازار بزرگ دو کشور و وجود زمینه‌های تجاری و اقتصادی بستر مناسبی برای این دو کشور است که در سال‌های گذشته شاهد کاهش مبادلات تجاری و همکاری‌های اقتصادی بوده‌اند. علاوه بر این از آنجا که تهران و ریاض از تولیدکنندگان اصلی نفت و از بازیگران کلیدی در عرصه انرژی جهانی هستند به‌طور بالقوه می‌توانند به‌جای استفاده از نفت به‌عنوان ابزاری در برابر یکدیگر، با تعامل و تدبیر از این عامل به‌عنوان بستری برای توسعه تعامل و دوستی دوجانبه بهره‌برداری کنند. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش مردمی یا خصوصی و نهادهای مدنی و غیردولتی که از حساسیت سیاسی کمتری برخوردار است نیز می‌تواند به کاهش مخاصمه و بهبود روابط ایران و عربستان سعودی کمک کند. همچنین نهادهای فرهنگی و علمی و پژوهشی دو طرف نیز می‌توانند به‌عنوان کانال‌هایی برای توسعه روابط عمل کنند. این امر البته مستلزم تغییر نگاه ریاض به ایران



به‌عنوان یک قطب مهم جهان اسلام است. عربستان می‌تواند با تعدیل و تغییر نوع رویکردهای خود در عرصه‌های نظامی - امنیتی و رسانه‌ای و تبلیغاتی و به‌خصوص کاهش جنبه‌های تخاصمی و تهاجمی آنها تأثیرات مهمی بر بهبود فضای روابط با ایران داشته باشد. در طول سال‌های گذشته تشدید رقابت‌های نظامی و امنیتی در منطقه و برجسته شدن جنبه تهاجمی در رویکردهای نظامی عربستان از یکسو و تشدید تبلیغات رسانه‌ای این کشور بر ضد شیعیان ازسوی دیگر به وخامت بیشتر روابط تهران و ریاض انجامیده است. ازاین‌رو اصلاح رفتار و سیاست عربستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران و شیعیان و مسائل منطقه‌ای پیش‌شرط‌های لازم برای بهبود فضای روابط دو کشور است.

- بسترها و فرصت‌های همکاری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

علاوه‌بر سطح دوجانبه، در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بسترها و ظرفیت‌های مناسبی برای بهبود روابط ایران و عربستان وجود دارد. ازجمله تلاش دو کشور برای کاهش بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای و بهبود امنیت منطقه‌ای با تمرکز بر نقاط و منافع مشترک می‌تواند مبنای مهمی برای گسترش روابط باشد. به‌خصوص اینکه ناامنی و بی‌ثباتی که برای همه کشورهای منطقه و ازجمله تهران و ریاض تبعات نامناسبی دارد در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و دو کشور با تکیه بر منافع مشترک و نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان دو بازیگر کلیدی منطقه ثبات نسبی را در این حوزه ایجاد کنند. کاهش سطح تخاصمات و تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند نتیجه چنین تدبیری باشد. کنترل و کاهش تنش‌های مذهبی شیعی - سنی در منطقه با توجه به جایگاه خاص عربستان در اهل سنت و نفوذ ایران بر شیعیان زمینه مناسبی برای همکاری و تعامل ایران و عربستان است و حرکت در این مسیر می‌تواند هزینه‌های امنیتی همه طرف‌ها را کاهش دهد. مقابله با افراط‌گرایی سیاسی و تروریسم در منطقه ازجمله جریان القاعده با توجه به تهدیدات امنیتی آن برای هر دو کشور و منطقه می‌تواند به‌عنوان ظرفیت مهم دیگر مورد استفاده قرار گیرد، هرچند عربستان سعودی خود از برخی گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی برای پیشبرد اهدافش در سطح منطقه استفاده می‌کند، با این حال در معرض تهدیدات ناشی از این نوع گروه‌ها به‌خصوص القاعده نیز قرار دارد. به همین دلیل حتی عربستان نیز از برخی جهات تهدیداتی را از ناحیه گروه‌های افراط‌گرا احساس می‌کند. این امر می‌تواند زمینه را برای تقویت همکاری‌های امنیتی دو کشور فراهم آورد.

در مورد مسائل و بحران‌های منطقه‌ای نیز به‌رغم اینکه ایران و عربستان در اغلب حوزه‌ها دچار اختلاف و رقابت هستند، اما این به معنای فقدان زمینه همکاری نیست. زیرا در صورت بهبود

فضای روابط دو کشور و کاهش خصومت‌ها و تنش‌ها، دو کشور می‌توانند به سوی راه‌حل‌های میانی برای حل بحران‌ها حرکت کنند. همکاری و همفکری برای حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف (مانند سوریه، بحرین، لبنان، عراق و یمن) با در پیش گرفتن رویکردی میانه و در چارچوب بازی برد - برد از آن‌رو مهم است که ریاض و تهران در اغلب این حوزه‌ها از بازیگران تأثیرگذار خارجی هستند و نوع سیاست‌های آنها در روند بحران‌ها تأثیر اساسی دارد. فرصت مهم دیگری را می‌توان مقابله با تهدیدات منطقه‌ای مشترک مانند سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و نزدیک کردن مواضع و رویکردهای دو کشور در این خصوص دانست. هرچند که ریاض و تهران در خصوص موضوع فلسطین اختلاف‌نظرهای سطحی با یکدیگر دارند، اما با توجه به جایگاه اسلامی و منطقه‌ای دو کشور، منافع و اهداف مشترک مهمی نیز بین دو طرف در این خصوص قابل تصور است. افزایش همکاری در حوزه‌ها و منافع بین‌المللی مانند مصالح عالی جهان اسلام در قالب سازمان‌هایی مانند اوپک، سازمان همکاری‌های اسلامی و سازمان ملل نیز می‌تواند به عنوان ظرفیت‌های همکاری و تعامل در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

۴. ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به فضای خاص حاکم بر روابط ایران و عربستان سعودی و همچنین سطح اختلاف و رقابت موجود میان آنها و نیز بسترها و ظرفیت‌های همکاری دوجانبه، می‌توان ملاحظات راهبردی زیر را برای تصمیم‌گیرندگان و دولتمردان ایرانی در خصوص تنظیم روابط با ریاض در دو سطح کلان و پارلمانی مطرح کرد.

۴-۱. ملاحظات راهبردی کلان ایران در خصوص عربستان سعودی

- نخستین ملاحظه راهبردی در خصوص تنظیم روابط با عربستان سعودی را می‌توان ترسیم اهداف مرحله‌ای و حرکت‌های گام به گام و تدریجی برشمرد. بدین مفهوم که شرایط کنونی روابط اجازه دسترسی به اهداف بالایی مانند همکاری راهبردی و تفاهم کامل را نمی‌دهد و در نتیجه بهبود روابط باید به صورت مرحله‌ای و تدریجی مورد نظر قرار گیرد. بر این اساس در مرحله نخست، هدفگذاری از مرحله خصومت و تنش به سوی تنش‌زدایی و رقابت غیرخصمانه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

- دومین اصل در ملاحظات راهبردی اتخاذ راهبرد حرکت متقابل و متناسب است، بدین مفهوم که در هر اقدام مثبت در قبال ریاض، ایران باید منتظر دریافت پاسخ مثبت متناسب از سوی طرف مقابل باشد، تا از این طریق منافع ملی و پرستیژ ملی در تنظیم روابط به صورت معقول حفظ شود.



- سومین نکته قابل ذکر آن است که نقطه آغاز هرگونه بهبود روابط با عربستان سعودی در سطح دوجانبه نهفته است و با احترام متقابل به ثبات، امنیت، مشروعیت و جایگاه داخلی و ملی و ارزش‌های مذهبی و هویتی نظام سیاسی مقابل شروع می‌شود. در چنین شرایطی است که انتظار کاهش تخاصم و تنش موجود و گسترش تعاملات و همکاری‌ها قابل تصور خواهد بود. در این راستا پایان دادن به تبلیغات منفی رسانه‌ای و تبلیغاتی و همچنین موضع‌گیری‌های خصمانه سیاسی از سوی عربستان مقدمه‌ای ضروری است.

- مسئله مهم دیگر شناسایی و تأکید بر منافع مشترک در دو سطح دوجانبه و منطقه‌ای است که بخش‌هایی از آن مورد اشاره قرار گرفت و حرکت در راستای عملیاتی ساختن منافع مشترک نیازمند اقدامات سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک به صورت متقابل است.

- پذیرش برخی از رقابت‌ها و اختلاف‌نظرها در سطح منطقه و تلاش برای قاعده‌مندی رقابت‌ها به عنوان موضوع مهم دیگری است که باید در وهله نخست مورد توجه تهران و ریاض قرار گیرد تا در مراحل دیگر توسعه روابط به آنها پرداخته شود. زیرا در مراحل اولیه حرکت به سوی بهبود روابط امکان حل و فصل تمامی اختلافات و رقابت‌ها وجود ندارد، اما می‌توان تلاش کرد تا آثار منفی رقابت‌ها کاهش یابد.

- نکته مهم دیگر آن است که در سطح منطقه‌ای، دو کشور باید به تدریج به سمت راه‌حل‌های میانی و طراحی بازی برد - برد حرکت کنند و به جای تأکید بر حداکثر امتیازات و دستاوردها به دستاوردهای نسبی قائل شوند، زیرا در برخی موارد برد کامل یک طرف به معنای باخت کامل طرف مقابل است و در نتیجه همکاری را منتفی می‌سازد. البته این سیاست باید به نحوی طراحی شود که متضمن کوتاه آمدن از اصول اساسی و بنیادین سیاست خارجی کشور در منطقه نباشد.

۲-۴. ملاحظات راهبردی پارلمانی

- وحدت‌گرایی و انسجام‌بخشی: موضوع مهم در خصوص دیپلماسی پارلمانی ایران در قبال عربستان سعودی حفظ وحدت و انسجام بین نهادها و دستگاه‌های داخلی در خصوص نحوه تعامل با ریاض است. بدین مفهوم که مجلس باید تلاش کند تا ضمن گسترش تعاملات و همفکری با دولت در قالب‌های مطالعاتی - کارشناسی و سیاسی به اهداف و راهبردهای مشترکی در خصوص چگونگی تنظیم روابط با عربستان سعودی دست یابد تا رویکرد واحد و منسجمی در این خصوص در پیش گرفته شود.

- گفت‌وگو سازی: مشارکت مجلس شورای اسلامی در ایجاد گفت‌وگو میان نوین در سیاست خارجی به صورت

کلان و درخصوص عربستان سعودی به صورت خاص و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی رسمی و عمومی مجلس در این خصوص می‌تواند به دولت برای بهبود فضای روابط با عربستان کمک کند. براین اساس لازم است که مجلس به خطوط کلی و حساسیت‌های موجود در گفت‌وگوهای در مورد عربستان واقف باشد و در عرصه دیپلماسی به صورت دقیق و حرفه‌ای رفتار کند.

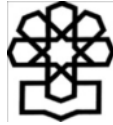
- موازنه‌سازی و توزیع نقش: به رغم توجه به اهداف و راهبردهای کلان درخصوص عربستان سعودی، مجلس شورای اسلامی در هماهنگی با دولت می‌تواند به نوعی موازنه‌سازی و توزیع نقش درخصوص رابطه با ریاض دست بزند، به این معنا که در موارد سلبی که تشخیص دولت ناظر بر مطرح نکردن برخی نکات منفی و بازدارنده در روابط با عربستان است، مجلس می‌تواند این نقش را برعهده بگیرد و نکات و هشدارهای خاص را به دولت سعودی منتقل کند.

- ساختارسازی و بسترسازی: با توجه به جایگاه مردمی مجلس شورای اسلامی و ارتباط آن با بخش‌های مدنی و غیردولتی، این نهاد می‌تواند به نحو مؤثری از ساختارهای خود و بخش‌های غیردولتی برای گسترش تعامل با دولت و جامعه سعودی استفاده و راه را برای دیپلماسی رسمی دولت به نحوی هموارتر کند.



پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعات بیشتر درخصوص رقابت‌های ایران و عربستان بعد از سقوط صدام رجوع کنید به:
Fredric Wehrey and Others, *Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam*, Rand Corporation, 2009.
۲. تفضلی، میلاد. بررسی روابط سیاسی ایران و عربستان طی سه دهه از انقلاب اسلامی، (۲۵ اسفندماه ۱۳۸۸) قابل دسترسی در:
<http://www.bashgah.net/fa/content/show/40749>
3. Benedetta Berti and Yoel Guzansky, "The Syrian Crisis and the Soudi-Iranian Rivalry", October 2012, Accessible at:
<http://www.fpri.org/articles/2012/10/syrian-crisis-and-Soudi-Iranian-rivalry>
۴. برای مطالعه بیشتر در مورد رقابت‌های ایران و عربستان سعودی در بحرین رجوع کنید به:
Kevin Down, "A Theoretical Analysis of the Soudi-Iranian in Bahrain," *Journal of Politics & International studies*, Vol. 8, Winter 2012/13.
۵. گودرزی، طاهره. صف‌آرایی کشورهای عربی در قبال جنگ بیست‌و دو روزه غزه، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ۶، ش ۶۹ و ۷۰، بهمن‌ماه و اسفندماه ۱۳۸۷، صص ۶۰-۶۱.
۶. مقامات کشور عراق که شاهد گسترش تنش‌ها و خشونت‌های فرقه‌ای در این کشور بوده‌اند به‌صورت مکرر از کشورهای خارجی مانند عربستان سعودی به‌عنوان تحریک‌کننده و حامی افراط‌گرایی و تنش‌های فرقه‌ای نام‌برده‌اند. از جمله نگاه کنید به: المالکی. *زعماء العشائر یرفضون الدعوات الخارجیة ولن نکون مع محور ضد آخر*، تحمیل:
<http://www.markazaliraq.net/?state=news&viewId=14291>
۷. افشاگری جدید ویکی‌لیکس راجع به ایران، ۸ آذرماه ۱۳۸۹، در:
<http://www.happyiranian.org>
8. <http://www.sipri.org/yearbook/2011/files/sipryyb110-04A-04B.pdf>
۹. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. توازن واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم، ۲۲ تیرماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://hamshahrionline.ir/details/222984>
۱۰. روحانی در تلویزیون هشدار داد: دنیا بداند که دوره زمانی ایران برای حل مسئله هسته‌ای نامحدود نخواهد بود، ۱۹ شهریورماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://khabaronline.ir/detail/312507/Politics/government>
۱۱. روحانی: اعتدال در سیاست خارجی، تعامل مؤثر و سازنده با جهان است، ۸/۴/۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://news.irib.ir/NewsPage.aspx?newsid=32846>
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۲۶ شهریورماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://hamshahrionline.ir/details/224203>
۱۳. روحانی: توسعه روابط با کشورهای همسایه اولویت ماست، ۱۵ مردادماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919568.html>
۱۴. روزنامه العرب، پیام آشتی ایران به عربستان با انتخاب شمخانی، ترجمه علی موسوی خلخالی، ۲۶ شهریورماه ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1921258.html>



شماره مسلسل: ۱۳۲۸۸

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: روابط ایران و عربستان سعودی در دوره اعتدال: بسترها و موانع

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: علی‌اکبر اسدی

ناظر علمی: مهدی امیری

مقتضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. ایران

۲. عربستان سعودی

۳. سیاست خارجی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۱۲